

مجموعه  
کتاب‌های  
دستگاه نظری  
جلد سوم

ح.ا. تنهایی

# دستگاه نظری جرج هربرت مید

بنیان‌گذار تفسیرگرایی آمریکایی



**- دستگاه نظری جرج هربرت مید -**





ح.ا. تنهایی

**دستگاه نظری جرج هربرت مید**

بنیان‌گذار تفسیرگرایی آمریکایی



سرشناسه	: تنهایی، حسین ابوالحسن، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: دستگاه نظری جرج هربرت مید؛ (بنیان‌گذار تفسیرگرایی در آمریکا) / مؤلف حسین ابوالحسن تنهایی (ح.ا.تنهایی).
وضعیت ویراست	: [ویراست ۲]
مشخصات نشر	: تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص.
فروست	: مجموعه کتاب‌های دستگاه نظری؛ جلد سوم.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۰۳-۲۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۷۲ - ۱۷۸.
عنوان دیگر	: بنیان‌گذار تفسیرگرایی در آمریکا.
موضوع	: مید، جرج هربرت، ۱۸۶۳-۱۹۳۱ م. Mead, George Herbert
موضوع	: مید، جرج هربرت، ۱۸۶۳-۱۹۳۱ م. -- دیدگاه درباره جامعه‌شناسی
موضوع	: Mead, George Herbert -- Views on sociology
موضوع	: جامعه‌شناسی Sociology
رده‌بندی کنگره	: ۱۰۳۳ HM
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۷۲۶۷۷۴۸



دستگاه نظری جرج هربرت مید (بنیان‌گذار تفسیرگرایی در آمریکا)

مؤلف: ح.ا.تنهایی	نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰ شماره‌گان: ۵۰۰	قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان
طراح و گرافیک: پرویز بیانی	آماده‌سازی و تولید: انتشارات اندیشه احسان	چاپ: هوران
صفحه‌آرایی: سودابه بیات	تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.	ویراستار: مریم السادات حسینی‌فر

دفتر نشر: تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه ۲، واحد ۵۰۷

تلفن: ۰۲۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۰۲۱۵۵۱۸۰۲۹۱۹۱۵۵ -- سایت: [www.andishehehsan.com](http://www.andishehehsan.com)

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۷

تلفن: ۰۱۶۶۴۶۶۰۰۱ sociologybookstore @ andishe\_ehsan

## شرحی بر مجموعه کتاب‌های (دستگاه نظری)

«مجموعه کتاب‌های (دستگاه نظری)»، شرح دستگاه‌های نظری نظریه پردازان بزرگی است که نشر آن‌ها را در ایران وظیفه خود می‌دانستم، و از مدتی پیش کار تهیه و نشر آن‌ها را فراهم کرده بودم. مدیریت نشر احسان از این کار من استقبال نمود و من هم با گرمی، این همکاری را پذیرفتم. بنابر این که نوشتارهای من، علیرغم نام‌های مختلف، زنجیره‌وار به هم مرتبط هستند، احساس کردم برای برقراری رابطه‌ای بهتر با متن هر کتاب، لازم است گزارش کوتاهی از مقدماتی که دریافت ارتباط مفهومی مطالب را ممکن می‌کند ارائه کنم. به همین دلیل، و از میان تمامی مطالب مختلف، از خوانندگان هر کدام از مجلدات این مجموعه، خواهش می‌کنم، دستکم، به سه اصطلاح، که به طور معمول در گزاره‌های نوشتاری من وجود دارند، و من در این مقدمه می‌کوشم آن‌ها را به کوتاه‌ترین شکل ممکن تقدیم خوانندگان محترم کنم، توجه فرمایند: ۱- دستگاه نظری، ۲- گونه‌های تفسیرگرایی، ۳- معرفت‌شناسی مدرنیته، ۴- سبک نگارش و ۵- تجدیدنظر و به روز رسانی.

### ۱- دستگاه نظری

یکی از اصطلاحات مهم در شاخه جامعه‌شناسی نظری<sup>۱</sup>، دستگاه نظری است. اصطلاح دستگاه نظری<sup>۱</sup>، شامل مجموعه عناصر مهم و حساس یک نظریه است که در

چهار جستار اصلی هستی‌شناسی، روش‌شناسی، ایستایی‌شناسی و پویایی‌شناسی، شکل و محتوای تخیل جامعه‌شناختی نظری<sup>۲</sup> هر نظریه یا پارادایم را می‌سازند.<sup>۳</sup> مفهوم دستگاه به سیستم متشکلی اشاره می‌کند که دربردارنده اجزاء و عناصری است، که وجود هرکدام از آن‌ها در فهم سیستم نظری، مهم و جدی است. به صورتی که اگر هرکدام از آن‌ها حذف یا ناهمیده رها شوند، درک درست ما از موضوع مخدوش می‌شود. این مفهوم در علم موسیقی نیز به همین معنا فهمیده شده است، یعنی اگر گوشه‌ای از یک دستگاه موسیقی، مثلاً از دستگاه دشتی، در جای خودش نواخته نشود، و یا در دستگاه دیگری که تعریف نشده است به کار رود، در آن دستگاه خدشه، ناهمنوایی و ناموزونی تولید می‌شود، مگر آن که با نیت قبلی و بنا بر قواعد مرتبط، گوشه‌ای از یک دستگاه در دستگاه دیگری، با قواعد و قوانین اجرای ترکیبی نواخته شود. این ترکیب گوشه‌ها از دستگاه‌های مختلف را در اصطلاح جامعه‌شناسی نظری، فرایند تلفیق یا ترکیب و یا فرانظری<sup>۴</sup> می‌گویند. به همین دلیل دستگاه نظری دارای هارمونی و نظم طبیعی مرتبط به خود است، و هرگونه حذف و اضافه در هر جزء از آن، ممکن است به خرابی آن دستگاه، و در صورت انجام مبتنی بر قواعد، به بازآفرینی، شکستگی و توانمندی آن بیانجامد. در هر دستگاه نظری، تمامی عناصر هر جستاری باید با منطق درونی آن جستار<sup>۵</sup>، و نیز با منطق کلی تمامی دستگاه، هماهنگ و موزون باشد<sup>۶</sup>، در غیر این صورت، یا خواننده از فهم ربط منطقی عناصر غافل مانده است، و یا نظریه پرداز در پردازش نظریه دچار مشکل شده است. به این معنا، هماهنگی و ربط منطقی عناصر هر نظریه در یک دستگاه، به معنای فهم درست از آن نظریه است. برای سنجش این ربط و هم‌خوانی منطقی از دو ابزار تحلیل اسنادی و تحلیل مفهومی استفاده می‌شود<sup>۷</sup>. بنابراین به نظر اساتید این شاخه، اگر هر نظریه به

1. Theoretic apparatus

2. Theoretic sociological imagination

۳. شرح بیشتر این موارد را در: تنهایی، ۱۳۹۸، جامعه‌شناسی نظری، چاپ ششم، به ویژه فصل سوم ببینید.

4. Meta-theory

5. Internal criticism به معنای نقد درونی

6. Kerlinger, 1973 جامعه‌شناسی نیز نک: تنهایی، جامعه‌شناسی

نظری، ۱۳۹۸، فصل دوازدهم و یا تنهایی، ۱۳۹۹، جوامع درون‌ساخت-برون‌ساخت.

۷. برای مطالعه بیشتر نک: تنهایی، ۱۳۹۸، جامعه‌شناسی نظری.

عنوان یک دستگاه دیده شود، هماهنگی، موزنی، هم‌خوانی و ربط منطقی میان عناصر و اجزاء در هر دستگاه، معیار و محکی برای سنجش درستی فهم از هر نظریه‌ای است.

به دلایل فوق، من بطور معمول و همیشه، تمام نظریات را به‌مثابه یک دستگاه نظری مطالعه می‌کنم، و در شرح آن‌ها برای خوانندگان آثارم نیز، از همین روش پیروی می‌کنم. بنابراین هر نظریه، و تمامی تغییرات یا تجدید نظرها را، در طول تمامی عمر آن نظریه‌پرداز در چهار جستار تفکیک و شرح می‌دهم.

در جستار هستی‌شناسی به چستی موضوع مورد مطالعه در هر دستگاهی پرداخته می‌شود، در جستار روش‌شناسی چگونگی شناخت آن موضوع بررسی می‌گردد، در ایستایی‌شناسی به موضوع مورد مطالعه، در برهه خاصی از زمان، و به‌مثابه سازمانی نسبتاً منظم و ماندگار پرداخته می‌شود، و سرانجام، در جستار پویایی‌شناسی، فرایند تغییر و تحول سیستمی و تاریخی آن سازمان به واکاوی گذاشته می‌شود. با تجربه بیش از سه دهه تدریس، دریافتم که این مقوله‌سازی در فهم و انتقال دانش نظری، که از تکنیک نظریه‌زمینه‌ای<sup>۱</sup> استراوس<sup>۲</sup> فراگرفته‌ام، بسیار مفید بوده است.

## ۲- گونه‌های تفسیرگرایی

پارادایم تفسیری بر این مفروضه مسلّم<sup>۳</sup> تکیه می‌کند که هستی آدمی برساخته خود او، در بستر جامعه‌ای، و در روزگارانی از تاریخ است. بنابراین، مسئولیت کردار و کنش آدمی بر عهده خود اوست. برساختن هستی و کنش آدمی، در فرایندی دیالکتیکی و از هم‌فراخوانی فهم و تفسیر انسان از موقعیت زندگی رخ می‌دهد، و بر اساس قواعد جامعه‌شناسی معرفت تعریف می‌شوند. بر اساس جامعه‌شناسی معرفت، هر

---

1. Grounded theory

۲. آنسلم استراوس، از صاحب‌نظران در دستگاه نظری هم‌کنش‌گرایی نمادی و از پدیدآورندگان نظریه‌زمینه‌ای، و تولیدکننده شاخه‌ای مستقل در دستگاه نظری هم‌کنش‌گرایی نمادی در آمریکاست، بویژه در جامعه‌شناسی پزشکی.

(Lauer and Handel, 1978)

3. Axiom



جامعه‌ای، بستری خاص برای برسازی هر کنشی را فراهم می‌آورد، و درست بر اساس همین امکان فراهم‌آوری یا فرصت تاریخی، گونه‌های برسازی کنش، تفاوت می‌یابند. بنابراین، معرفت‌شناسی تاریخی<sup>۱</sup> هر دوران تاریخی، در صورت‌بندی پارادایم‌های تفسیری، تأثیری مهم و استوار دارد. درست بر سر همین قواعد، من در واکاوی‌های استقرایی چندین ساله‌ام در تاریخ نظریه‌ها، گونه‌های متفاوت پارادایم‌های تفسیری را بنابر قواعد تبارشناسی نظری و قواعد جامعه‌شناسی معرفت، و نه بر مبنای جغرافیای محل زندگی نظریه‌پردازان، توانستم تنها در سه گونه از تفسیرگرایی دریافت کنم: الف: تفسیرگرایی اروپایی، ب: تفسیرگرایی آلمانی، و ج: تفسیرگرایی آمریکایی. حال ممکن است شارحین دیگری بنابر مطالعات استقرایی خویش بر این گونه‌ها بیافزایند. اکنون در ادامه، هرکدام از این سه گونه را به اختصار<sup>۲</sup> شرح می‌دهم.

### الف: تفسیرگرایی اروپایی

اگر فرصت تاریخی<sup>۳</sup> یک جامعه به گونه‌ای باشد که کنش آدمی، تنها فرصت سازگاری و انطباق با شرایط هژمونیک<sup>۴</sup> سازمانی و تاریخی موجود را داشته باشد، و به‌ناگزیر برسازی کنش آدمی، با همسویی و سازگاری با شاخص‌های مسلط در جامعه تعریف شود، این رهیافت تفسیرگرایی از گونه اروپایی خواهد بود. در این گونه از تفسیرگرایی، مهم‌ترین مفروضه مسلّم، کنش بر پایه فهم خود و دیگران در یک سیستم تاریخی، و با فرصت‌های زندگی<sup>۵</sup> مشخصی است که در همسویی و سازگاری با آن‌ها کنش می‌کند، اما سبک زندگی<sup>۶</sup> خویش را می‌تواند به شیوه‌ای انتخابی و احتمالاً متفاوت یا مشابه با دیگران، به مثابه سبک زندگی خویش، برسازی کند. در چنین پارادایم‌هایی، تناقض، تضاد یا تقابل آدمی با هژمونی<sup>۷</sup> و سلطه جامعه‌ای موجود، یا موضوع سخن

1. Historical epistemology

۲. برای مطالعه بیشتر نک: تنهایی، ۱۳۹۹، جامعه‌شناسی معرفت و معرفت‌شناسی نظریه.

3. Historical opportunity

4. Hegemonic

5. Life opportunity

6. Life style

7. Hegemony

نظریه‌پرداز قرار نمی‌گیرد، یا هرگونه انحراف و تخطی از الگوهای مسلط با اصطلاحاتی از قبیل کج‌روی یا آسیب، شایسته عقوبت‌هایی از پیش تنظیم شده دانسته می‌شود. برای نمونه، وبر، کولی و پارسنز در همین‌گونه رهیافت از تفسیرگرایی نظریه‌پردازی کرده‌اند. مهم‌ترین عنصر نظری غایب در این پارادایم، خود بازتابی<sup>۱</sup> (ویژگی خود در گونه تفسیرگرایی آمریکایی) است.

### ب: تفسیرگرایی آلمانی

اگر مفروضه مسلّم در هر دستگاه نظری به گونه‌ای با اصطلاح بازتابی<sup>۲</sup>، کنش آدمی در موقعیت را شرح دهد اما فقط روشنفکران را در برابر هژمونی و سلطه جامعه، توانمند در آفرینش کنش مقاومت و تغییر تعریف کند و این توانمندی را برای گونه عام بشری<sup>۳</sup> قائل نباشد، با گونه تفسیرگرایی آلمانی روبرو هستیم. نمونه شاخص و بی‌بدیل این گونه از تفسیرگرایی را در دستگاه نظری مارکس می‌توان به وضوح دید. مارکس دست کم تا پیش از ۱۸۷۲، بر این نکته تأکید می‌کرد که در جوامع طبقاتی، تنها این قشر روشنفکر است که می‌تواند آگاهی خاموش و خفته طبقه استثمارشده را بیدار کند. کنش مقاومت و تغییر نیز در این رهیافت نه الزاماً کج‌رو - متفاوت از رهیافت اروپایی - بلکه به‌مثابه آگاهی و حرکت پیش‌روانه تعبیر می‌گردد. بعد از مارکس، دستگاه نظری هربرت مارکوزه، فیلسوف اجتماعی پارادایم فرانکفورتی، را نیز می‌توان نشان داد که از همین گونه تفسیرگرایی تبار می‌گیرد، خاصه، توجه او به رسالت روشنفکران و دانشجویان در فرایند جنبش‌های اجتماعی. البته ما شاهد تغییرات و تجدید نظرهایی در دستگاه نظری مارکس پس از ۱۸۷۲ هستیم، و نیز با توجه به نظریه او در باب طبیعت آدمی، من بر آنم که مارکس به تدریج به گونه سوم از تفسیرگرایی کوچیده است: یعنی تفسیرگرایی آمریکایی.

---

۱. معادل Reflexive Self به معنای نشان دادن معانی به خودمان، هم‌کنشی خود سوزیه با خود ایزه، گفتگوی با خویشتن و احتساب عملیاتی است.

۲. این اصطلاح تبار در فلسفه آلمانی دارد

۳. یعنی انسان به مثابه انسان

## ج: تفسیرگرایی آمریکایی

بنابر مفروضه مسلّم در تفسیرگرایی آمریکایی، کنش برای هر انسانی ممکن است و در همان حال، امکان مقاومت و تغییر در برابر هژمونی و قدرت حاکمیت را داراست. اما يك تفاوت مهم، گونه تفسیرگرایی آمریکایی را از هر دو گونه پیشین، جدا می‌کند. نقش ویژگی بازتابی در رهیافت آلمانی<sup>۱</sup>، توسط مید در تفسیرگرایی آمریکایی تغییر یافت. مید اصطلاح خود بازتابی<sup>۲</sup> یا بازنگر را جانشین بازتابی آلمانی قرار داد، این یعنی باور به اینکه هر انسانی به مثابه انسان<sup>۳</sup>، در کنشگری و مقاومت در برابر هژمونی توانمند است. بنابراین، انسان در گوهر و طبیعت آدمی<sup>۴</sup> خویش، در تمامی لحظات زندگی، امکان بهره بردن از ویژگی بازتابی خود را خواهد داشت، و دیگر الزاماً نیازی به قشر روشنفکر برای بیدار شدن و حرکت انقلابی ندارد؛ موضوعی که بلومر از آن به عنوان انقلاب مید نام برده و گوریچ نیز مید را برای همین کشف و شرح، ستود. من این موضوع را در شرح دستگاه نظری مید و بلومر، به تفصیل، شرح خواهم داد. بنابر همین امکان آفرینش و بازسازی کنش، در فرایند مخاطب‌سازی خود و خود<sup>۵</sup>، به معنای خود بازتابی، دیگر انسان در این رهیافت زیر هژمونی و جبر سازمانی مجبور تعریف نمی‌شود، اگرچه جبر سازمانی و تاریخی همیشه وجود داشته باشد و بر سر او سایه افکند، و آدمی نیز به مراتب، هیچ‌گاه مختار مطلق تعریف نشود گرچه خالق و آفریننده کنش خویش باشد. دیگر آن‌که انسان معترض، و کنش مقاومت و تغییر، در این رهیافت، نه به مثابه آسیب و کج‌روی، که به مثابه تفسیر آگاهانه در برسازی کنش تعریف می‌شود. در این رهیافت، آدمی در هر حال، کنشگر است.

۱. یعنی بازتابی معانی

2. Reflexive self

3. Man as humankind, in an anthropological meaning, یا انسان عام تاریخی که تعریفی فرانسوادی، فرااقومی، فراجنسیتی و فرا طبقاتی دارد.

4. Human nature

5. Conversation of oneself with oneself / one making object of him/herself

### ۳- معرفت‌شناسی مدرنیته

معرفت‌شناسی، به معنای درک، فهم و تفسیر انسان در هر برهه‌ای از تاریخ و در هر سازمانی از زندگی اجتماعی است که رابطه تنگاتنگ شرایط ذهنی و عینی زندگی واقعی و هر روزه مردم را در هر جامعه تعریف می‌کند. معرفت‌شناسی مدرنیته، که من آن را با شاخص مهم و حساس فردیت تاریخی<sup>۱</sup> تعریف می‌کنم، عبارت است از ظهور هویت مستقل انسان شهروند، و ابراز جمعی چنین هویتی، در برابر هر حاکمیتی که پیش از آن، او را زیر سلطه داشته است. با چنین شرحی، من دوران مدرنیته<sup>۲</sup>، و شرح دستگاه‌های نظری در این دوران، که از سال‌های ۱۴۰۰ تا کنون ادامه دارد را، بنابر قواعد جامعه‌شناسی معرفت و قواعد جامعه‌شناسی نظری، و با توجه خاص به شاخص ظهور و گسترش فردیت، به چهار دوره تقسیم می‌کنم. بستر جامعه‌شناسی معرفت، و معرفت‌شناسی فردیت تاریخی، یا ظهور و ابراز هویت مستقل شهروندی در برابر حاکمیت، باعث می‌شود که هر کدام از این دوره‌ها، به گونه‌ای با هر کدام از گونه‌های تفسیرگرایی، که با گونه‌گونی کنش از هم متمایز می‌شوند، مرتبط شوند. بنا بر شرح تفصیلی موضوعات یادشده بالا، من در اینجا، تنها چند ویژگی خاص را برای هر کدام از مدرنیته‌ها، به اختصار و فهرست‌وار تعریف می‌کنم، و از تحلیل مبسوط آن‌ها درمی‌گذرم.<sup>۳</sup>

۱. مدرنیته‌آغازین، از سال‌های ۱۴۰۰ آغاز شده و در عصر صنعتی شدن به پایداری لازم خود رسیده، و تا سال ۱۷۹۲<sup>۴</sup> ادامه می‌یابد. فرهنگ نوزایی، با ظهور نگرش معرفت‌شناختی فردیت تاریخی آدمی در برابر معرفت‌شناسی جمع‌گرای دوران قرون وسطی آغاز، و نفی معرفت‌شناسی قرون وسطانی، در سه دوره‌ی خردتر، به تدریج تکوین یافت:

۱. برای شرح کامل مفهوم فردیت تاریخی نگاه شود: تنهای، ۱۳۹۷، مدرنیته آغازین، فصل یکم.

#### 2. Modernity

۳. برای شرح مطلوب به این منابع رجوع فرمایید: تنهای، ۱۳۹۹، جامعه‌شناسی معرفت، فصول نهم تا یازدهم. تنهای، ۱۳۹۷، مدرنیته آغازین، فصل یکم، تنهای، ۱۳۹۴، مدرنیته میانی و تنهای، ۱۳۹۱، مدرنیته درگذار، مقدمه‌ها و پیشگفتارها.

۴. با مجموع رخدادهای دهه وقوع انقلاب فرانسه

- نخست: دوره‌ی نوزایی ۱۵۷۰ - ۱۴۰۰، ظهور تام معرفت فردیت تاریخی و سکیولاریسم، در برابر معرفت سازمان کلیسایی و شیوة تولیدی زمین‌داری، دوم: دوره‌ی ظهور اصلاح‌گرایی دینی ۱۶۸۸ - ۱۵۷۰، گسترش جنبش فردیت تاریخی، تا اعتراض دینی در برابر کاتولیسم و ظهور جنبش پروتستانیسم، سوم: ظهور انقلاب شکوهمند<sup>۱</sup> انگلیس در سال ۱۶۸۸، ظهور دولت‌های سیاسی یا قراردادهای اجتماعی، گسترش شهرهای صنعتی، ظهور دین مدنی و آغاز تمایل به قانون‌گرایی و عقل‌ناشخصی (impersonal)، تا پیروزی انقلاب کبیر ۱۷۹۲، اعدام لویی شانزدهم در سال ۱۷۹۳ به عنوان نماد مرگ نظام استبداد پادشاهی در فرانسه، آغاز دوره‌ی هرج و مرج سیاسی و ظهور ناپلئون.
۲. مدرنیته‌میان، سال‌های پس از انقلاب کبیر فرانسه، کمرنگ شدن فردیت تاریخ در هژمونی صنعت و سرمایه، گسترش جمع‌گرایی و دید کلان‌گرایی غالب نظریه‌پردازان، ترس از فردیت تاریخی به دلیل نیاز به اجماع، و کم‌توجهی به واقعیت‌های خرد زیر پوست شهر، به دلیل نگرش معرفت‌شناختی به جمع‌گرایی، رقابت رهیافت تفسیرگرایی اروپایی و آلمانی تا سال‌های جنگ جهانی اول، ۱۹۱۸-۱۹۱۴.
۳. مدرنیته‌درگذار، از جنگ جهانی اول تا دهه ۱۹۶۰، گذراندن بحران اقتصادی دهه سی آمریکا و جنگ جهانی دوم، آغاز جنبش و گفتمان مطالبه‌گری و برابری حقوق زنان، کشاکش میان جمع‌گرایی تا دهه پنجاه و ظهور دوباره فردیت تاریخی تا دهه شصت، بازشدن فضای رهیافت تفسیرگرایی و کشاکش میان رهیافت‌های تفسیری اروپایی و آلمانی، توجه به فردیت تاریخی و گسترش نظریه‌های میدانی، گروه‌ها و اجتماعات خرد، آغاز جنبش‌های مدنی در قالب جنبش مطالبه‌گری رنگین‌پوستان به رهبری دکتر مارتین لوتر کینگ.
۴. مدرنیته‌اخیر، از سال‌های دهه ۱۹۶۰، ظهور گسترده فردیت تاریخی و مطالعات میدانی در واقعیت‌های خرد و میانه و زندگی روزانه، گسترش جامعه‌شناسی

1. The Glorious Revolution, in: Durant W. and Ariel Durant, 1963, The Story of Civilization: VIII, the Age of Louis XIV, New York: Simon & Schuster, 297

درمانی، ظهور اشکال تلفیقی و تازه تفسیرگرایی، گسترش جنبش‌های اجتماعی و مطالبه‌گری‌های سیاسی، اجتماعی، صنفی، دینی و هنری، پیدایش و فروکشی جنبش مسلحانه قدرت سیاه به رهبری کارمایکل و همیلتون در آمریکا، تا پیدایش جنبش‌ها و مطالبه‌گری‌های بی‌سر در قرن بیست و یکم، در سراسر جهان.

#### ۴- سبک نگارش

در آخر، ناگزیر از یادآوری یک نکته املائی هستم: شیوه زنده یاد صادق هدایت در ترجمه واژه‌های لاتین به فارسی، این بود که واژه‌های لاتین را هنگام ترجمه با املاء و حروف فارسی می‌نوشت، مثلاً Aristotle را ارستو می‌نوشت و Plato را افلاتون، و Myth را که معنای Story هم دارد، استوره می‌نوشت مانند بسیاری از داستان‌های استوره‌ای در جوامع ابتدایی که البته برخی افسانه ترجمه کرده‌اند. اما من واژه استوره را بیشتر می‌پسندم، و بسیاری دیگر واژه‌ها. مورد دیگر، واژه‌های بنیان‌گزار و سپاس‌گزار از مصدر گزاردن به معنای انجام دادن است که از نوشتن آن‌ها به صورت‌های دیگر پرهیز می‌کنم. من این شیوه را پسندیده و در تمامی نوشته‌هایم به کار می‌برم، اگرچه برخی خوانندگان، اغلب این تأکید مرا به حساب اغلاط املائی به من یادآور شده‌اند. پیشاپیش، از این اختلاف سلیقه با درک متعارف، پوزش می‌خواهم.

#### ۵- تجدیدنظر و به‌روزرسانی

همان‌گونه که در یادداشتی بر ویرایش پنجم کتاب جامعه‌شناسی نظری<sup>۱</sup>، به تفصیل بیشتری آورده‌ام نوشتارهایی که در طول زندگی حرفه‌ای خود تقدیم مخاطبین گرامی نموده‌ام، چیدمانی از تجربیات و آموخته‌های من از اساتیدی است که یا روزگاری را در محضرشان سپری کرده‌ام، و یا اساتیدی که تنها با آثارشان آشنا شده‌ام، و نیز برخاسته از انکشافاتی است از بازخوانی و بازخوانی‌های مکرر و وسواس‌گونه‌ی من، از آثار نظریه‌پردازان بزرگ جامعه‌شناس؛ و همچنین کوشش‌های شخصی من در

بازآرایی و بازچیدمانی موضوعی آن‌ها و گسترش برخی از مفاهیم و اصطلاحات بوده است. پس به‌طور معمول، هر بازچاپ و بازنشری از کارهای پیشین من، نسخه‌ای تازه ویرایش شده از بازتولید تخیل جامعه‌شناختی و دستگاه‌های نظری است، و به همین دلیل، هر نسخه در حکم منسوخ‌کننده‌ی نُسخ پیشین است، نکته‌ای که من درستی آن را، از تاریخ علم و فلسفه آموختم. بنابراین، از بابت این تجدیدنظرها و بازویرایش‌ها، که در طول رشد تجربیات حرفه‌ای آموخته‌ام، از مخاطبینی که کارهای مرا دنبال می‌کنند، پوزش می‌طلبم، و درخواست می‌کنم تا تغییرات، بازویرایش‌ها و تجدیدنظرها را به‌طور جدی دقت و دنبال بفرمایند.

با خوشحالی تمام اعلام می‌کنم که من شاگردی اخلاقی بزرگانی چون مارکس، انگلس، مید، بلومر، فرم، گورویچ، مرتن، و بسیاری دیگر را به جان و عمر خریدم، و تلخی کنایه‌های گزاف دیگران را با عشق به دریافت حقیقت تحمل کردم. از این بزرگواران، به‌جَدّ، یادگرفتم که هیچ نسخه‌ای در کوشیدن فهم واقعیت، نسخه‌ی آخرین نیست، پس در هر زمان بایستی نسخه‌ای تازه از دریافت واقعیت را، با تجدیدنظر و اصلاحاتی در حذف و اضافه‌ی گزاره‌ها، باز ویرایش و بازتنظیم نمود، تا به فهمان از واقعیت، و انتقال آن به دیگران، خیانت نکرده باشیم.

به همین دلیل در این فراگرد، از مارکس و انگلس یاد گرفتم تا در گفتن «هنوز نمیدانم» و «هنوز نفهمیده‌ام»، «و در برخی نوشته‌هایم اشتباه کرده‌ام» شجاع و بی‌پروا باشم، از مید و بلومر آموختم که واقعیت تاریخی آدمی، همین روزگارانی است که ما و نسل‌های گذشته، هر روز آن را تجربه کرده‌ایم و به صورت نمادهایی با معنا، به عنوان بستر زندگی اجتماعی، در آن عمر گذرانده‌ایم، از فرم آموختم که زندگی کوششی برای عشق ورزیدن به زیبایی و حقیقت آن، و در هر چیزی است، که همیشه هست و باید آن را دید و باز دید و غافل نماند، از گورویچ راه برون‌رفت از هگل را یافتم، اما به سوی دنیای همه‌گرایانه، و از مرتن و بلومر شجاعت نقد باورهای کلیشه‌ای، که در دانشگاه‌ها همچون باورهای استوره‌ای، راه بر فهم حقیقت می‌بندند، را فراگرفتم.

## فهرست

۵	شرحی بر مجموعه کتاب‌های (دستگاه نظری).....
۵	۱- دستگاه نظری.....
۷	۲- گونه‌های تفسیرگرایی.....
۱۱	۳- معرفت‌شناسی مدرنیته.....
۱۳	۴- سبک نگارش.....
۱۳	۵- تجدیدنظر و به روزرسانی.....
۱۹	پیش‌گفتار.....
۲۳	فصل اول - جستار هستی‌شناسی.....
۲۳	تبارشناسی نظری.....
۳۵	فصل دوم - جستار روش‌شناسی.....
۳۵	شیوه هم‌سنجی و شبیه‌شناختی.....
۴۱	فصل سوم - جستار ایستایی‌شناسی.....
۴۱	تحلیل سیستم اجتماعی.....



۴۲	دستگاه نظری
۴۹	۲- شرح دستگاه خود در مفهوم علوم رفتاری
۵۰	ذهن
۵۲	جامعه
۵۳	خود
۵۶	من و من اجتماعی
۵۸	من اجتماعی
۶۰	خود
۶۱	ویژگی‌های شکل‌گیری خود
۶۶	ساختار و خاستگاه کنش
۶۸	۳- شرح دستگاه خود در مفهوم جامعه‌شناختی
۶۹	ساز و کار نقش اجتماعی در شکل‌گیری خود
۷۴	تبارشناسی گروه مرجع مرتن
۷۴	مفهوم ساختاری خود
۷۷	خود اجتماعی: از خود جمعی تا خود کل
۷۸	دورکهایم و مید
۷۹	شرح بلومر از دیالکتیک خود به مثابه تعریف جامعه
۸۲	خود: واقعیت دیالکتیکی جامعه
۸۳	خود فردی، خود اجتماعی، خود ملی و خود منطقه‌ای
۸۷	تحلیل دیالکتیکی تضاد و نظم: تضاد و تناقض و گرایش به سلطه
۹۰	نقش تفکیک‌یافتگی اجتماعی در توسعه اجتماعی
۹۰	مفهوم تحلیلی تضاد
۹۳	ساخت اجتماعی: برآیندی از تفکیک‌یافتگی اجتماعی
۹۴	نهاد خانواده
۹۵	نهاد ایل و دولت
۹۶	طبقات اجتماعی

۹۷	فصل چهارم - جستار پویایی شناسی .....
۹۷	تحلیل تاریخی یا جامعه‌شناسی تاریخی .....
۹۷	تصویر مید از گذار تاریخی جهانی بودن .....
۹۹	تصویر مید از سیستم و تاریخ در شرح دلیلی .....
۱۰۲	ساز و کار تحول تاریخی .....
۱۰۸	الف- دوران پیشاتاریخ: دوران جوامع ایمایی، تقلیدی یا الگوبردار .....
۱۰۹	ب- دوران تاریخی نقش‌گیری .....
۱۱۰	۱. دوره جوامع بازی کودکانه یا ساده .....
۱۱۲	۲. دوره جوامع بازی جمعی .....
۱۱۵	۳. دوره جوامع دیگری تعمیم‌یافته، یا سازمان‌یافتگی مدرن .....
۱۱۹	تقابل سازمان رهبری شخصی و سازمان مدیریت دولتی .....
۱۲۵	پیوست .....
۱۲۵	۱. تأثیر جرج هربرت مید بر جامعه‌شناسی .....
۱۲۷	۲. ضرورت تاریخی تفسیرگرایی در نظریه‌پردازی مدرن .....
۱۳۳	۳. زندگی .....
۱۳۴	۴. جامعه‌شناسی آمریکایی، پرگمتیسم، مید و جامعه‌شناسی درمانی .....
۱۳۸	۵. مید و جنبش مطالبه‌گری .....
۱۴۱	کتابنامه .....
۱۴۱	الف. فارسی .....
۱۴۳	ب. انگلیسی .....
۱۴۷	کتاب‌های منتشر شده و در حال انجام از مؤلف موجود در بازار .....
۱۴۸	کتب در حال چاپ و در حال انجام .....
۱۵۱	کتب خارج از چاپ .....



## پیش‌گفتار

دستگاه نظری جرج هربرت مید در پارادایم نظری تفسیرگرایی آمریکایی قرار دارد و به عنوان آغازگر این رویکرد شناخته می‌شود. این دستگاه نظری نقطه عطفی در تاریخ تکوین پارادایم تفسیری و برآیندی از دستگاه‌های نظری مارکس، سیمل، وبر، کولی، داروین و دیویی است که با رویکرد دیالکتیک چند اسلوبی و پرگماتیستی پردازش شده است، نکاتی که در جستار هستی‌شناسی و روش‌شناسی مید مرور خواهند شد. مهم‌ترین نکته کانونی در پارادایم تفسیری آمریکایی که آن را با دیگر پارادایم‌های تفسیری متفاوت می‌کند، نقش برسازگی کنش در اشکال کنش اجتماعی، کنش نمادی و کنش پیوسته است که آدمی را در برابر تمامی جبرهایی که او را احاطه کرده‌اند، آزاد در تفسیر و آفرینش کنش می‌بیند. انجام کنش، در جوامع پیشامدرن با پرداخت هزینه آزادی و رهایی می‌تواند رخ دهد، اگرچه به طور معمول چنین رخدادهایی تنها در سطوح افرادی خاص یا جنبش‌هایی نادر دیده می‌شود و عموم مردم برسازگی کنش خویش را به صورت تکرار آنچه متعارف و کم هزینه است انجام می‌دهند، اما در برابر، در جوامع مدرن برسازگی کنش، بنا بر چگالی و میزان تفکیک‌یافتگی اجتماعی، می‌تواند با هزینه‌های بسیار کمتری رخ دهد. قدر مسلم آن است که کنش بر خلاف رسوم متعارف، اگرچه در دیگر پارادایم‌های نظری جرم یا کج‌روی به شمار می‌آید، اما در پارادایم تفسیری آمریکایی جرم و کج‌روی تنها تعریفی می‌تواند باشد که هر

جامعه‌ای برای خود و مردمش تعریف و تنظیم می‌کند. بنابراین پارادایم تفسیری آمریکایی، در هر دو نوع جوامع پیشامدرن و مدرن، هر کرداری را کنش می‌بیند؛ آفرینش رخداد و رویکردی که جامعه آن را ممکن است روا یا خلاف بداند. دستگاه نظری مید نخستین فضای نظری است که به‌ویژه با آفرینش نظریه بازتابی خود و نظریه نقش‌گیری، در هم‌کنشی خود با خویشتن، توانسته است چنین تعبیری از برسازگی کنش را مفهوم‌سازی کرده و نمونه و مصادیق آن را در تاریخ جوامع بشری نشان دهد. چگونگی تحلیل اصطلاح «خود» به مثابه جامعه از دیگر عناصر حساس نگاه تفسیرگرایی مید است، که کوشیده‌ام آن را در جستارهای ایستایی‌شناسی و پویایی‌شناسی و در تحلیل تقابل دیالکتیکی نظم و تضاد در تحولات سیستمی و تاریخی شرح شده توسط مید توصیف کنم. در این مطالعه تحول سیستم و سازمان اجتماعی تناقض به تضاد مهم‌ترین عناصر تحلیلی مؤثر در تحول جوامع ابتدایی به پیشرفته در دستگاه نظری مید شناخته شده است.

مید اگرچه از بنیان‌گزاران و در زمره نظریه‌پردازان بزرگ نخستین در تاریخ مدرن جامعه‌شناسی است، اما از نظر تاریخی در حد فاصل میان مدرنیته میانی و مدرنیته درگذار می‌زیست، و افزون بر این، چشم‌انداز نظری وی بر اساس و بنا بر ضرورت تاریخی معرفت‌شناسی مدرنیته درگذار در تمدن و تاریخ جامعه آمریکایی پردازش شده است. توجه به این بستر تاریخی و عناصر معرفت‌شناختی آن قطعاً در فهم درست دستگاه نظری مید مهم و لازم است، به همین روی، و برای جلوگیری از تداخل معانی شرح دستگاه نظری مید و دقت در عناصر معرفت‌شناسی سیستمی و تاریخی نظریه وی، توجه خوانندگان محترم را به شرح مختصری از تحول تاریخی مدرنیته: «شرحی بر مجموعه کتاب‌های (دستگاه نظری)»، که در صفحات آغازین همین کتاب آمده است، جلب می‌کنم.

از زمان اتمام دوره تحصیلاتم در آمریکا و برگشت به ایران تا کنون، بیش از سی و پنج سال است می‌کوشم تا بنیان تحلیل سیستمی و تاریخی مید و شاگرد و سخن‌گوی او هربرت بلومر، مؤسس پارادایم هم‌کنشی نمادی، را برای مخاطبانم شرح دهم و رسالتم در شاگردی این پارادایم و مأموریتی که استادم هربرت بلومر برای انتقال این پارادایم به ایران به

من محول کرده بود را به انجام برسانم، اگرچه جامعه‌شناسی ایران در دیدن و شنیدن این توضیحات تمایلی جدی نشان نداد. شاید حاصل این بی‌میلی برآمدن دانشجویانی در ایران بوده است که بدون هیچ سند دست‌اولی، و به صرف استناد به برخی شارحین تندخوان و کج‌خوان، گمان می‌کرده‌اند نظریه خود و کنش در دستگاه نظری مید و بلومر فردگرایانه و خُردگرایانه است و هیچ تحلیل سیستمی یا تاریخی در کار آنان دیده نمی‌شود. آن‌ها می‌خواهند بگویند واحد تحلیل در این نظریه و شاگرد بلافصل او هربرت بلومر، کنش منفردانه و گروه‌های خُرد است و تصور تحلیل کلان یا تاریخ در این دستگاه نظری محال است. چنین قضاوتی آشکارا حاکی از بی‌خبری از ادبیات مید و بلومر، و نخواندن کتب اصلی این دو بزرگوار است.

در این کتاب کوچک کوشیده‌ام تا شرح کوتاه بنیان دستگاه نظری مید را در جستار هستی‌شناسی و روش‌شناسی ارائه کنم و سپس با استناد به نقل‌های مستقیم مید و برخی شارحین وی، شرح تحلیل سیستم در نظریه مید و تحلیل‌های آسنادی و مفهومی مرتبط با آن را در جستار ایستایی‌شناسی، و سپس مدل تحلیل تاریخی مید، لوازم نظری و مفهومی مرتبط و هم‌فراخوان با جستار پویایی‌شناسی وی را تقدیم کنم، با این امید که این مختصر مورد استفاده دانشجویان و پژوهشگرانی که به دنبال حقیقت هستند، و به نقل اقوال دست‌چندم مخدوش بسنده نمی‌کنند، قرار گیرد. در آخر مایلیم از مدیر محترم نشر اندیشه احسان، جناب آقای احسان برجی، که کار چاپ و نشر این کتاب را به عهده گرفتند، سپاسگزاری کنم.

ح. ا. تهایی

مدیر گروه‌های تخصصی جامعه‌شناسی تفسیری  
و جامعه‌شناسی نظری در انجمن جامعه‌شناسی ایران  
تابستان ۱۳۹۹